

## دخالت نظامی ایران در بحران ظفار و واکنش کشورهای عربی خلیج فارس: در آیین اسناد نویافته وزارت امور خارجه بریتانیا فرج‌اله احمدی<sup>۱</sup> و آروین قائمیان<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲

### چکیده

با خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس و با ایجاد یک آرایش نظامی و سیاسی نوین در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، مناسبات ایران و عمان در ابعاد سیاسی و نظامی، وارد فصل جدیدی شد. مسئله‌ی جنبش ظفار در عمان، نمونه‌ای از این مناسبات را نمایان ساخت؛ به‌گونه‌ای که بر اساس دکترین نیکسون، مقرر شد که ایران در حوزه خلیج فارس، به‌عنوان یک ژاندارم نظامی شناخته شود که وظیفه آن، سرکوب هرگونه جنبش کمونیستی بود. با شکل‌گیری جنبش ظفار، نیروهای نظامی ایران به عمان اعزام شده و نقش مهمی در خاموش کردن این شورش کمونیستی ایفا کردند. واکاوی جنبش ظفار در عمان و نقش ایران در آن، تاکنون در پژوهش‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفته است؛ با این حال جنبه نوآورانه پژوهش ما، واکاوی ابعاد مختلف این جنبش و نقش نظامی ایران در آن، بر مبنای مجموعه اسناد محرمانه وزارت امور خارجه بریتانیا است. سؤال پژوهش پیش‌رو این است که نگاه کشورهای حوزه خلیج فارس در قبال دخالت نظامی ایران در عمان برای سرکوب جنبش ظفار، چگونه بوده است؟ برای پاسخگویی به این سؤال، پژوهش پیش‌رو با شیوه گردآوری داده‌ها از طریق اسناد محرمانه وزارت امور خارجه بریتانیا، سامان یافته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کشورهای حوزه خلیج فارس، حضور نظامی ایران در عمان را به مثابه تلاش ایران برای نفوذ در نواحی جنوبی خلیج فارس تلقی کرده و نسبت به این دخالت، نگاهی بدبینانه داشتند.


**کلید واژه‌ها:** ایران، عمان، کشورهای حوزه خلیج فارس، جنبش ظفار، اسناد وزارت خارجه بریتانیا.

**استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)**

احمدی، فرج‌اله؛ قائمیان، آروین (۱۴۰۱). «دخالت نظامی ایران در بحران ظفار و واکنش کشورهای عربی خلیج فارس: در آیین اسناد نویافته وزارت امور خارجه بریتانیا». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال پنجم، شماره سوم، پیاپی ۱۹، صص ۹۷-۱۱۶.

<sup>۱</sup> دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمیل: [fahmadi@ut.ac.ir](mailto:fahmadi@ut.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمیل: [arwin\\_ghaemian@yahoo.com](mailto:arwin_ghaemian@yahoo.com)

این مجله تحت مجوز  (CC BY-NC-SA) قرار دارد. © ۲۰۱۰، اینسک (انديشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رعایت شرایط، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

در دوره سلطنت محمدرضا پهلوی، روابط خارجی ایران با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، به علت مسائل اقتصادی و سپس نظامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در بین کشورهای این حوزه، روابط ایران با کشور عمان در حاشیه جنوبی خلیج فارس با سابقه اقتصادی و تجاری پُراهمیت، دارای مناسبات جدیدی شد. از طرفی دیگر، روابط خارجی ایران در سطح بین‌المللی به ویژه با آمریکا و انگلستان، تأثیر مستقیمی بر نوع روابط ایران با کشورهای منطقه به ویژه عمان، گذاشت؛ به گونه‌ای که بر اساس طرح نیکسون، مقرر شد که ایران به یک قدرت نظامی برتر تبدیل شود تا امکان رشد هر گونه تمایلات مارکسیستی در منطقه را در نطفه خفه کند. در چنین فضایی بود که در جنوب غرب عمان در استان ظفار، جنبشی مارکسیستی علیه رژیم سلطان قابوس شکل گرفت. از آنجایی که ایران به مثابه یک قدرت نظامی مطرح در غرب آسیا شناخته می‌شد، با اعزام نیروهای نظامی، در ماجرای ظفار شرکت کرد و به نفع سلطان قابوس، جنبش مارکسیستی را سرکوب نمود.

سؤال پژوهش پیش‌رو، بر این مبنا قرار دارد که در ماجرای مشارکت نظامی ایران در عمان، کشورهای حوزه خلیج فارس چه واکنشی نشان داده و این واکنش در اسناد محرمانه وزارت امور خارجه بریتانیا چگونه انعکاس پیدا کرده است؟ فرضیه مقاله این است که کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان، امارات و مصر، نگاه بدبینانه‌ای به مشارکت نظامی ایران در عمان داشتند. این مقاله با گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای و استناد به داده‌های مجموعه اسناد محرمانه وزارت امور خارجه بریتانیا سامان یافته است.

از منظر پیشینه پژوهش نیز، آثار مختلف و متعددی به جنبش ظفار توجه داشته‌اند. برای نمونه، فاطمه حیدری (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای به بررسی سیاست خارجی ایران در عمان در عصر محمدرضا پهلوی پرداخته‌اند و بر موضوع جنبش ظفار در این مقاله تأکید داشته‌اند. در مقاله‌ای دیگر، نورالدین نعمتی (۱۳۹۳)، روند شکل‌گیری و استمرار جنبش ظفار و همچنین چگونگی دخالت ایران در آن را بررسی کرده‌اند. هم‌چنین فاطمه رستمی و فریدون الهیاری (۱۳۹۵) زمینه‌های شکل‌گیری جنبش ظفار را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. در مجموع آن‌چه که پژوهش پیش‌رو را با پیشینه ذکر شده متمایز می‌سازد، ناظر بر دو نکته اساسی است: از یک طرف، پژوهش کنونی بر مبنای مجموعه اسناد نویافته وزارت امور خارجه بریتانیا سازماندهی شده است و از طرفی دیگر، مسئله اصلی این پژوهش ناظر بر چگونگی واکنش کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در قبال دخالت نظامی ایران در عمان است؛ امری که در پژوهش‌های دیگر مورد توجه قرار نگرفته است.

## ۲. آغاز روابط پر از تردید بین ایران و عمان

بر اساس دکترین نیکسون، محمدرضا پهلوی در ژوئن ۱۹۶۹ میلادی، اعلام کرد که ارتش ایران حاضر است پس از عقب نشینی نیروهای انگلیسی از مناطق واقع در شرق کانال سوئز، امنیت تمام کشورهای عربی خلیج فارس را تأمین کند (See Hiro, 2013). با توجه به این که در دهه ۱۹۷۰ میلادی، ایران به یکی از صادرکنندگان اصلی نفت خام در جهان تبدیل شده بود، هدف اصلی شاه از دخالت نظامی در ظفار، حفظ امنیت تنگه هرمز و یافتن جای پای در سواحل عربی خلیج فارس بود (FCO 8/2242/RECEIVED IN REGISTRY, SEP 1974, NBL 10/324/1). در واقع، شاه نگران از این مسأله بود که مبادا حرکت شورشیان مارکسیست در ظفار، به دیگر کشورهای عربی خلیج فارس سرایت کند (Mattair, 2008: 17). علت اهمیت داشتن عمان در راهبرد سیاست خارجی دولت ایران، به خاطر قدرتمند تلقی کردن عمان نبود؛ بلکه تهران مایل بود اساساً روابط حسنه‌ای با تمامی کشورهای مجاور اقیانوس هند برقرار کند (FCO 8/2021, Received in Registry, TEL 703, 16 AUG 1971, NBM3/324/1). در مقابل، سلطان قابوس عقیده داشت که ایران کشوری است تاثیرگذار که مسقط و دیگر کشورهای عرب خلیج فارس می‌توانند در مواقع بحرانی از آن کمک بگیرند؛ سلطان حتی به مزاح می‌گفت که ایرانی‌ها خیلی زودتر از انگلیسی‌ها به کمک وی شتافتند (FCO 8/2219, Received in Registry, 18 MAR 1974, NBL3/324/1).

در فوریه ۱۹۷۰ میلادی، مطبوعات یمن جنوبی از تفاهمی بین ایران و عربستان سعودی سخن راندند مبنی بر اینکه پس از خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس، بحرین تحت نفوذ ایران و از سوی دیگر قطر و سواحل عمان، تحت نفوذ عربستان قرار می‌گرفت (FCO 8/1313/6 Received in Registry, 27 FEB 1970, NB3/338/1).

همچنین در تاریخ ۲۷ مارس ۱۹۷۱ میلادی، رادیو دمشق، با حمله به سیاست‌های شاه ایران، هدف تهران از تسخیر سه جزیره سوق الجیشی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را تسلط دولت ایران بر تنگه هرمز دانست که به گفته اردشیر زاهدی، هر سه دقیقه یک تانکر نفتکش از آن عبور می‌کرد. رادیو دمشق با نقل قول از مقامات ایرانی که گفته بودند نباید این تنگه استراتژیک به دست دشمنان بیفتد، تصریح کرد که دشمنان از منظر ایرانی‌ها، اعراب ظفاری هستند که نهضتی مترقی برای آزادی را خط مشی سیاسی خود قرار داده بودند (FCO 8/1677, Received in Registry, 1 APR 1971, NBM3/324/1).

در تاریخ ۲۲ جولای ۱۹۷۱ «اچ. جی. آرشنا» از دیپلمات‌های انگلیسی در تهران در نامه‌ای به «ایگرتون» در اداره‌ی خاور نزدیک وزارت امور خارجه بریتانیا، عنوان کرد که مسئولان وزارت خارجه ایران، از جمله «زند فرد»، مدیرکل بخش امور خاورمیانه‌ای وزارت خارجه ایران، عقیده دارند که این انگلیسی‌ها هستند که مانع برقراری روابط رسمی و دیپلماتیک بین مسقط و تهران می‌شوند

اما واقعیت این بود که قابوس در نظر داشت تا ابتدا رژیم‌اش از سوی حکومت‌های عربی مورد حمایت و شناسایی قرار گیرد. علی‌رغم میل شاه، سلطان قابوس نسبت به برقراری روابط سیاسی با ایران رویکرد نه چندان مشتاقانه‌ای از خود نشان می‌داد. لیکن، بر خلاف تصور اشتباه شاه، لندن بطور جدّ، خواهان برقراری روابط سیاسی بین تهران و مسقط بود (FCO 8/2021, Received in Registry, 27 JUL 1971, NBM3/324/1). علت سفر نکردن سلطان قابوس به ایران این بود که وی برقراری رابطه با ریاض را مقدم بر ایجاد روابط سیاسی و نظامی مستحکم با تهران می‌دانست (FCO 8/2021, Received in Registry, 27 JUL 1971, NBM3/324/1). به همین علت بود که وقتی سلطان به لندن سفر کرد و قرار شد در مسیر بازگشت به مسقط، از تهران دیدار کند، سفر خود را لغو کرد؛ چرا که قبل از این قرار بود به ریاض مسافرت کند؛ اما آن سفر به دلایل نامعلومی لغو شد. سلطان قابوس تلاش بسیاری در جهت بهبود روابط با همسایه شمالی خود، عربستان سعودی داشت اما وی به انگلیسی‌ها گفته بود که ملک فیصل، یک وهابی متعصب است که مذهبش با مذهب مردم عمان تفاوت دارد و اینکه، ملک فیصل هیچگاه این مسأله را فراموش نمی‌کرد (FCO 8/1677 Received in Registry, 25 OCT 1971, NBM3/324/1).

برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، فرصت مناسبی بود که سلطان بتواند براحتی به ایران سفر کند. طی این جشن‌ها، شاه از سلطان قابوس به دلیل استخدام شهروندان فلسطینی در ادارات دولتی عمان انتقاد کرد. او معتقد بود که ابوظبی به «کویت ثانی» تبدیل خواهد شد؛ چرا که اعراب شمالی (منظور فلسطینی‌ها، لبنانی‌ها و اردنی‌ها)، بصورت گسترده بدانجا مهاجرت کرده بودند و اینکه «شیخ زاید نخواهد توانست که آن ببر (اشاره به اعراب شمالی دارد) را مهار کند و این روند قطعاً منجر به عدم استقرار سیاسی در خلیج فارس خواهد شد». سلطان قابوس هم در پاسخ به این اظهارات شاه، عنوان کرد که وی ایداً قصد ندارد به اعراب شمالی، اجازه مهاجرت به عمان را بدهد (FCO 8/1677 Received in Registry, 25 OCT 1971, NBM3/324/1).

سلطان قابوس اعتقاد داشت که ایرانی‌ها از تجزیه امارات متحده عربی راضی‌اند و هم‌چنین مایلند که امیرنشین‌های خلیج فارس تحت حاکمیت عمان درآیند. با توجه به تبلیغات رسانه‌ای عراق در خلیج فارس و نظر سوء بغداد نسبت به حضور احتمالی نیروهای مسلح شاهنشاهی در عمان، دیگر کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس با سوءظن و تردید به حضور ارتش ایران در عمان می‌نگریستند. با این وجود، به علت خطرهایی که متوجه تنگه هرمز و شیخ‌نشین‌های عرب بود، آنها در مجموع علیرغم مخالفت‌های امارات، تردیدهای ریاض و واهمه کویت، از روابط نظامی بین تهران و مسقط استقبال می‌کردند (FCO 8/2219 Received in Registry, 18 MAR 1974, NBL3/324/1). در اکتبر سال ۱۹۷۱ میلادی، سلطان قابوس پس از بازگشت از جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، از مهمان‌نوازی شاه بسیار خشنود بود و ابراز داشت که شاه علاقه وافری به تحولات جاری در ظفار نشان داده و به سلطان گفته بود که در صورت اعلام نیاز از سوی مسقط، نیروهای ارتش

شاهنشاهی آماده‌اند تا بلافاصله وارد نبرد با شورشیان شوند (Bahgat, 2017: 152). شاه صادقانه این پیشنهاد را مطرح می‌کرد؛ اما سلطان با تشکر از شاه، به گونه‌ای دو پهلو سخن گفته بود که ضامن هیچ‌گونه تعهد نظامی به ایران نباشد (FCO 8/1677 Received in Registry, 25 OCT 1971, NBM3/324/1).

### ۳. مقدمات حضور نظامی ایران در ظفار و واکنش حکومت‌های عربی خلیج فارس

عملیات انتقال تجهیزات نظامی ایران به عمان با اسم رمز «خاویار» از ۱۵ آگوست ۱۹۷۲ میلادی آغاز شد و قرار بود که هواپیماهای ایرانی در فرودگاه صلاله فرود آیند؛ اما عمانی‌ها به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های لازم، از ایرانی‌ها می‌خواستند که هواپیماها در فرودگاه «میدوی»، محموله خود را تخلیه نمایند. در این عملیات، در مجموع شصت سورتی پرواز از مبدأ فرودگاه بندرعباس، راهی عمان شدند. به نقل از خلعتبری، وزیر امور خارجه ایران، عدم هماهنگی در امر تحویل گرفتن تجهیزات نظامی که ایران به عمان ارسال می‌کرد، شاه را به این فکر انداخته بود که مبدا انگلیسی‌ها، آن‌چنان مایل نیستند که ایرانی‌ها به عمان کمک نظامی کنند (FCO 8/1859 Received in Registry, 18 AUG 1972, NBM10/7). علیرغم نگرانی‌های شاه، نیروهای ایرانی و انگلیسی همکاری نزدیکی با یکدیگر در عمان داشتند. نفرات انگلیسی حتی از بالگرد‌های ایرانی برای جابجایی استفاده می‌کردند. ایرانی‌ها، ۳ فروند بالگرد پل ۲۰۵ را به صلاله اعزام کرده بودند و نیروهای انگلیسی از آن‌ها در نقل و انتقالات خود بهره می‌گرفتند (FCO 8/1859 Received in Registry, 1 SEP 1972, NBM10/7). هم‌زمان، نیروهای ویژه هنگ ۶۵ هواپرد که به تازگی ایجاد شده بود، به عمان اعزام گردید (Tabatabai, 2020: 122).

ایرانی‌ها، خواهان رویکرد تهاجمی‌تر در جنگ ظفار، برای پایان دادن هر چه سریع‌تر بحران در عمان بودند. در نوامبر ۱۹۷۳ میلادی، ژنرال ازهاری، رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران، در دیدار با ژنرال کریسی فرمانده انگلیسی نیروهای سلطان قابوس، عنوان داشته بود که ایرانی‌ها می‌خواهند تا آنجا که امکان دارد، نفرات ارتش ایران از تجربه جنگی برخوردار شوند؛ چرا که ارتش ایران از جنگ دوم جهانی به این سو تجربه نبرد و رزم نداشته است. مقامات ایرانی هیچ نگرانی در مورد کشته شدن سربازان خود نداشتند. ازهاری تصریح کرده بود بهتر است که صد سرباز جان خود را اکنون از دست بدهند تا اینکه عمان بدست کمونیست‌ها سقوط کند، و آنگاه دو هزار سرباز ایرانی کشته شوند (FCO 8/2021, Received in Registry, No 35, 26 NOV 1973, NBM3/324/1).

از سوی دیگر، انگلیسی‌ها معتقد بودند که ملک فیصل، باید درباره پیشنهاد حضور نیروهای ویژه ارتش ایران در عمان مطلع باشد تا مقداری از واهمه جهان عرب نسبت به حضور نیروهای ایرانی در ظفار کاسته شود. در آگوست ۱۹۷۲ میلادی، انگلیسی‌ها از این مسئله نگران بودند که مبدا

هشدارهای آنها به قابوس مبنی بر وجوب مشاوره با ملک فیصل، از سوی شاه به عنوان رویکردی دخالت‌آمیز تعبیر شود (FCO 8/1859 Received in Registry, 10 AUG 1972, NBM10/7). انگلیسی‌ها همچنین مایل نبودند که شیخ زاید آل نهیان، از میزان کمک‌های نظامی ایران به عمان با خبر شود (FCO 8/1859 Received in Registry, 7 AUG 1972, NBM10/7). با توجه به حجم قابل توجه تجهیزات نظامی ایران که به عمان ارسال شده بود، انگلیسی‌ها نگران از تیره شدن روابط سلطان قابوس با کشورهای عربی بودند (FCO 8/1859 Received in Registry, 9 AUG 1972, NBM10/7). در راستای کاهش نگرانی اعراب خلیج فارس، خلبانان ایرانی می‌بایست اونیفرم نیروی هوایی عمان را به تن می‌داشتند و نیز نشان نیروی هوایی عمان را باید بر روی بدنه بالگردها حک می‌شد (FCO 8/1859 Received in Registry, 10 AUG 1972, NBM10/7).

عدم هماهنگی، یکی از ویژگی‌های بارز نیروهای عمانی بود. به عنوان مثال در سندی به تاریخ ۱۸ آگوست ۱۹۷۲ میلادی، یک فروند هواپیمای ترابری که از ایران تجهیزات مخابراتی به عمان منتقل می‌کرد و قرار بود در فرودگاه «مطرح» بر زمین بنشیند، بدون اینکه محموله خود را تخلیه کند، به ایران بازگشت؛ به این علت که هیچکدام از مقامات عمانی، مسئولیت تحویل گرفتن این محموله را نپذیرفته بودند (FCO 8/1859 Received in Registry, 21 AUG 1972, NBM10/7).

در آگوست ۱۹۷۲ میلادی، عربستان سعودی آماده کمک به عمان در مبارزه با شورشیان ظفاری بود؛ اما ریاض نمی‌خواست که از طریق ایران بلکه مستقیماً کمک‌های مالی و نظامی خود را به مسقط تحویل دهد (FCO 8/1859 Received in Registry, 14 AUG 1972, NBM10/7). حکومت عربستان سعودی به سلطان قابوس اعلام کرد که کمک‌های مالی که مسقط از ریاض درخواست کرده بود، پرداخت خواهد شد. سلطان قابوس اعتقاد داشت که علت تأخیر ریاض در کمک به عمان این بوده که افرادی در دربار ملک فیصل، نمی‌خواستند که ریاض کمک مالی به مسقط کند؛ بلکه منتظر بودند تا با زد و بند در خرید تسلیحاتی که قرار بود برای عمان تهیه شود، ثروتی عایدشان شود. در این میان، شیخ زاید آل نهیان، برای مقابله با حضور نیروهای ایرانی در ظفار امکان داشت از تبادل سفیر با ایران خودداری ورزد و یا کمک‌های مالی، ولو اندک، خود را به عمان قطع کند (FCO 8/1859 Received in Registry 16 OCT 1972, NBM10/7).

شیخ زاید شاید بر اثر حملات رسانه‌ای که سابقاً مصری‌ها و بعدها عراقی‌ها، درباره تلاش ایران برای تحت نفوذ درآوردن حاشیه جنوبی خلیج فارس، ترتیب می‌دادند، از ورود نیروهای نظامی ایران اظهار نگرانی می‌کرد؛ اما همچنان انگلیسی‌ها از کمک‌های شاه ایران به سلطان قابوس بسیار خشنود بودند. هاوولی، سفیر بریتانیا در مسقط گزارش داد که شیخ زاید، رئیس امارات متحده عربی، همزمان نمی‌توانست هم خدا را داشته باشد و هم خرما را. اگر او در زمان مناسب نیروهای اماراتی را به عمان گسیل می‌داشت یا از نظر مالی و به اندازه کافی سلطان قابوس را یاری می‌رساند، نیروهای ویژه ایرانی در ظفار مستقر نمی‌شدند. به جز اردنی‌ها، این فقط ایرانیان بوده که به سلطان

در مبارزه با شورشیان چپگرای ظفاری کمک می‌کردند (FCO 8/1859 Received in Registry 24 OCT 1972, NBM10/7). در این میان، شیخ خلیفه آل ثانی، امیر قطر، بدون شک از حضور ایران در عمان حمایت می‌کرد. اگرچه برادران عرب وی از حضور ایرانیان نگران بودند، او تمام سعی خود را به کار می‌بست تا با آنان همراهی ننماید (FCO 8/1859 Received in Registry 30 OCT 1972, NBM10/7).

در اکتبر سال ۱۹۷۲ میلادی، ایرانی‌ها تعدادی بالغرد و در حدود ۱۵۰ تن از نیروهای ویژه خود را مخفیانه به ظفار اعزام کردند. انگلیسی‌ها عقیده داشتند به محض اینکه حضور نیروهای ایرانی در عمان علنی شود، کشورهای عرب منطقه واکنش منفی از خود نشان خواهند داد و ادعاهای دولت عدن مبنی بر طرح‌های شوونیستی شاه به اثبات خواهد رسید (FCO 8/1859 Received in Registry 17 OCT 1972, NBM10/7).

در ۱۰ نوامبر ۱۹۷۲ میلادی، رادیو بغداد به نقل از منابعی در «جبهه آزادیبخش ظفار و خلیج عربی»، عنوان کرد که ماه گذشته، ۲۹۰۰ سرباز و افسر ایرانی وارد صلاله شده؛ به محض ورود، این نیروها به مناطق ساحلی ظفار منتقل گردیدند (FCO 8/1859 Received in Registry, 28 NOV 1972, NBM10/7). همزمان نمایندگان شورشیان ظفاری در بیروت اعلامیه‌ای را منتشر کردند که طبق آن سلطان قابوس در موافقتنامه‌ای سری، جزیره «ام الغانم» را در برابر حضور نظامی ارتش ایران در عمان در اختیار شاه قرار می‌داد (FCO 8/1859 Received in Registry 27 OCT 1972, NBM10/7). در ۱۱ ژانویه ۱۹۷۳ سرهنگ فرازبان از سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) به مسقط سفر کرد و در دیدار با سلطان قابوس درباره تبادلات اطلاعاتی بین تهران و مسقط به گفتگو پرداخت (FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 12 JAN 1973, NBM3/324/1).

در ادامه رایزنی‌های دستگاه دیپلماسی ایران برای کاستن نگرانی‌های شیوخ عرب، خلعتبری وزیر امور خارجه ایران در دیدار با ملک فیصل، بار دیگر مسئله انعقاد یک پیمان دفاعی بین ایران و عمان و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس را مطرح نمود؛ اما پادشاه عربستان در مقابل، مسئله جزیره‌های مورد مناقشه ابوموسی و تنب بزرگ و تنب کوچک را به میان کشید. به نظر می‌رسید که ملک فیصل در رابطه با ایران بسیار محتاط بود؛ اما برادران وی نسبت به او سرسختی کمتری در قبال همکاری‌های دفاعی با ایران نشان می‌دادند. از سوی دیگر، کشورهای کوچک‌تر عربی، همچون قطر، مایل به همکاری با ایران بودند؛ اما آن را رسماً اعلام نمی‌کردند (FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 25 JUL 1973, NBM3/324/1).

شاه با لحن تحقیرآمیزی بیان می‌داشت که اعراب در نهایت عرب هستند! او نخواهد توانست مجموعه قراردادهای دفاعی مشترکی را که در نظر داشت، با اعراب حاشیه خلیج فارس به امضاء برساند. وی امیدوار بود که بتواند حداقل با عمان معاهده‌ای رسمی منعقد سازد؛ اما ظاهراً حتی عمانی‌ها هم از امضای چنین قراردادی خودداری می‌ورزیدند. مدتی بعد قرار شد که هیئتی از عمان

با سفر به ایران دربارهٔ انعقاد یک قرارداد دفاعی به مذاکره بپردازند؛ اما هنگامی که آنها به تهران وارد شدند، مقامات ایرانی متوجه شده که سلطان قابوس فقط خواهان رسیدن توافق با ایران بر سر تقسیم فلات قاره است. علت بی‌میلی عمانی‌ها در این بود که قابوس مبالغی از عربستان سعودی و ابوظبی دریافت کرده بود و لذا مایل نبود باعث ناراحتی همسایگان عرب خود شود (FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 26 JUL 1973, NBM3/324/1).

ایرانی‌ها بر این باور بودند که دولت لندن نسبت به عقد یک قرارداد رسمی دفاعی، بین عمان و ایران ناخشنود هستند و به سلطان قابوس نسبت به این مسأله هشدار داده‌اند. اگر چه رایت، مدیر بخش خاورمیانه‌ای وزارت امور خارجه بریتانیا در مراسله‌ای به پارسونز، سفیر بریتانیا در تهران، او را تشویق به رفع این سوء تفاهمات کرد؛ اما به این نکته اشاره نمود که بهتر است، هیچ قراردادی علیرغم تمایل سلطان قابوس با ایران منعقد نگردد (FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 8 AUG 1973, NBM3/324/1).

در جولای ۱۹۷۳ میلادی، افشار، سفیر ایران در لندن، در دیدار با مقامات وزارت امور خارجه بریتانیا نظر آنان را در مورد انعقاد یک پیمان دفاعی مشترک بین ایران و عمان جویا شد. وی در پاسخ شنید که این مسئله فقط به تهران و مسقط مربوط می‌شود و عمان از طریق امضای این قرارداد خواهد توانست که بر روی حمایت‌های نظامی بیشتر ایران اطمینان حاصل کند؛ اما از سوی دیگر، قرارداد دفاعی بین ایران و کشورهای عرب خلیج فارس باعث سوءظن حاکمان عرب و حتی هندی‌ها خواهد شد. از سویی دیگر، انگلیسی‌ها باور داشتند که اگر یکی از کشورهای عرب (هم‌چون عراق یا یمن جنوبی)، منافع ایران را در خلیج فارس تهدید کند، حضور نظامی شاه در عمان دائمی می‌گردد و خصومت بین دول عربی و ایران افزایش پیدا می‌کند که در نتیجهٔ آن، بریتانیا خود را در معرض بزرگی می‌یافت (FCO 8/2242/ Received in Registry 4 SEP 1974, NBL 10/324/1).

در لندن، دیپلمات‌های ایرانی هم از این امر نگران بودند که مبادا یگان‌هایی از ارتش یمن جنوبی، در درگیری‌های ظفار، به کمک شورشیان چپ‌گرای ظفاری بشتابند. میرفخاری، مشاور سفیر ایران در بریتانیا، در تاریخ ۲۱ نوامبر سال ۱۹۷۳ میلادی، در ملاقات با یکی از مسئولین وزارت امور خارجه انگلستان، از این مقام انگلیسی جویا شد که آیا لندن گزارشاتی مبنی بر حضور نفرات ارتش یمن جنوبی را در نبردهای ظفار جدی می‌گیرد؟ میرفخاری در پاسخ شنید که نباید در مورد این تحولات اغراق کرد و باید دید که این تحولات، جزئی از یک الگوی مستمر است یا نه! ظاهراً نیروهای یمن جنوبی به مناسبت مراسمی که به افتخار زادروز سلطان قابوس در حال برگزاری بود، بمبارانی را در منطقه «مکینته شیهان» ترتیب داده بودند تا باعث تحریک نیروهای وفادار به سلطان شده و سپس مسقط را متهم به تجاوز نظامی نمایند (FCO 8/2011 Received in Registry, 23 NOV 1973, NBM3/324/1). تا پایان سال ۱۹۷۳ میلادی، شاه در حدود ۳۰ هزار الی ۳۵ هزار نیروی



ایرانی را به عمان گسیل داشته بود (Marschall, 2003: 9). شاه همچنین دستور داده بود تا یک پایگاه دریایی مجهز در چابهار، برای حراست از امنیت تنگه هرمز تأسیس شود.

#### ۴. جنگ ظفار و تداوم سوءظن کشورهای عربی نسبت به دخالت نظامی ایران

طی دیدار سلطان قابوس از ایران در مارس ۱۹۷۴ میلادی، طی توافقنامه ای که بین ایران و عمان درباره خط میانه [فلات قاره]<sup>۱</sup> و تقسیم منابع شیلات به امضاء رسید، شاه مالکیت «مجمع الجزایر السلامه» یا (Quoins) را به عمان بخشید. شاه به آمریکایی ها گفته بود که این مسئله، حدود ۱۰۰ میلیون بشکه نفت خام برای او آب خورده است. شاه همچنین متعهد شده بود که یگان های جدیدی از نیروهای مسلح ایران را به ظفار اعزام نماید و به مدت طولانی، چند فروند هواپیمای نظامی خود را در نقاط مختلف عمان مستقر سازد تا پوشش هوایی عمان را تقویت کند؛ اما فرودگاه های عمان برای فعالیت جنگنده ها و هواپیماهای ترابری ایران مناسب نبود و احتیاج به تغییرات اساسی داشت. ایران و عمان همچنین توافق کرده بودند که در شرایط لزوم از تأسیسات زمینی دریایی و هوایی یکدیگر بهره ببرند. به نقل از دیپلمات های انگلیسی، شاه حتی آماده بود تا نیروی دریایی خود را به کمک عمانی ها اعزام کند. شاه همچنین ادوات نظامی ضد هوایی به ظفار ارسال کرده بود تا از کمک هوایی نیروهای هوایی ارتش یمن جنوبی به شورشیان ظفاری جلوگیری کند (Garver, 2011: 41).

در این میان، سلطان قابوس ادعا می کرد که توانست بود پادشاه عربستان سعودی را درباره لزوم استقرار نیروهای ایرانی در عمان قانع سازد. ریاض نه تنها درباره حضور ایران در عمان با دیده ظن و تردید می نگریست؛ بلکه حتی در مورد حضور نیروهای انگلیسی نیز موضع واضح و روشنی نداشت. دیگر حکومت های عرب حاشیه خلیج فارس به جز کویت (که همواره می خواست تا همه کشورها را از خود راضی نگاه دارد)، عملاً اعتراض چندانی نسبت به حضور نیروهای خارجی در عمان (ایرانی ها و انگلیسی ها) نداشتند (FCO 8/2219 Received in Registry, 9 AUG 1974, NBL3/324/1). در واشنگتن، کسینجر نسبت به کمک های نظامی ایران به مسقط نظر مثبتی داشت؛ اما در قبال فعالیت های مخرب جمهوری یمن جنوبی و نفوذ فزاینده شوروی به غایت نگران بود (FCO 8/2021, Received in Registry, 21 MAR 1974, NBL3/324/1).

حضور نظامی ایران در عمان، عملاً کفه جنگ را به نفع رژیم قابوس تغییر داد (Graham, 2012: 179). پس از دیدار سلطان از تهران و توافق بر سر افزایش کمک های نظامی ایران به مسقط، الزواوی وزیر امور خارجه عمان، به عنوان نماینده ویژه سلطان، به کشورهای حاشیه خلیج فارس، علی الخصوص عربستان سعودی سفر کرد و درباره تحولات ظفار به رایزنی پرداخت تا

<sup>1</sup>. Continental Shelf

سوءتفاهمی راجع به حضور نیروهای ایرانی در عمان شکل نگیرد؛ معه‌ذا مسقط تصمیمی در جهت راضی کردن کویته‌ها نگرفت (FCO 8/2021, Received in Registry, 25 MAR 1974, NBL3/324/1). هم‌زمان، تظاهرات دانشجویی در تاریخ پنجشنبه ۱۴ مارس ۱۹۷۴ میلادی در شهرهای سن خوزه و برکلی در ایالت سانفرانسیسکو آمریکا برگزار شد که در آن پلاکاردهایی حمل شد که در آن نوشته شده بود که «اشغال عمان توسط شاه ایران که از سوی آمریکا مورد حمایت قرار می‌گیرد را متوقف کنید!». این تظاهرات که تعداد قلیلی از دانشجویان ایرانی در آن شرکت بسته بودند، تحت نام «کمیته ملی آزادی در خاورمیانه» برگزار گردیده بود (FCO 8/2219, Received in Registry, 29 MAR 1974, NBL3/324/1).

در ماه می ۱۹۷۴، خلعتبری، وزیر امور خارجه ایران، در دیدار با کالاهان، نخست وزیر بریتانیا، در واشنگتن نسبت به دورنمای ورود چریک‌های کوبایی به ظفار، عقب نشینی نیروی‌های انگلیسی از عمان و سست شدن اتکای سلطان قابوس به تهران (بدلیل مخالفت‌های دول عربی) ابراز نگرانی کرد (FCO 8/2241/6 Received in Registry 31 MAY 1974, NBL3/324/1). با ادامه بحران در ظفار و حضور قوای ایران در عمان، روابط بین مسقط و ابوظبی به سردی گرایید. شرکت Paulings که در تعریض باند فرودگاه میدوی برای استفاده فانتوم‌های ایرانی فعالیت داشت، سابقاً برای تکمیل پروژه خود، مجبور به تأمین بودجه از امارات متحده عربی بود؛ لیکن به دلیل افزایش قیمت‌های جهانی نفت، سلطان قابوس پول بیشتری در اختیار داشت که به راحتی آن را مصروف عملیات ساخت و ساز نظامی کند و یا اینکه ایرانی‌ها به جای ابوظبی، به دولت مسقط کمک مالی می‌کردند (FCO 8/2219 Received in Registry, 25 MAR 1974, NBL3/324/1).

در این دوره، ابوظبی ایران را متهم به پیگیری سیاست «تفرقه بنداز و حکومت کن» در خلیج فارس می‌کرد (Amirsadeghi, 2012: 192). در ماه‌های پایانی سال ۱۹۷۴ میلادی، ارتش ایران موفق شد تا ضربات سهمگینی بر شورشیان ظفاری وارد آورد و خطوط امداد آنها از یمن جنوبی را قطع کند. در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۷۴، الزواوی بصورت غیر منتظره و بدون هماهنگی با دولت ایران، اعلام کرد که نیروهای ایرانی توانستند جاده راهبردی صلاله به ثمریت را از کنترل شورشیان چپ‌گرای ظفاری خارج نمایند و آن را به نیروهای عمانی تحویل داده و در حال بازگشت به کشورشان هستند (FCO 8/2021, Received in Registry, 15 OCT 1974, NBL3/324/1). مطبوعات کویته نیز با مسرت خبر عقب‌نشینی تدریجی نیروهای ایرانی را انعکاس دادند. در این گزارش‌ها آمده بود که حضور نیروهای ایرانی در ظفار باعث نگرانی «تمامی اعراب» شده بود. کویته‌ها بر این باور بودند که این حق طبیعی دولت عمان بود که شورشیان ظفار را سرکوب کند؛ لیکن کمک گرفتن از نیروهای ایرانی، «غیر طبیعی» تلقی می‌شد. سفیر دولت مصر در مسقط نیز با این که کشور متبوعش از متحدین رژیم شاه محسوب می‌شد، از عقب‌نشینی نیروهای ایرانی

استقبال کرد و آن را یک «پیروزی» توصیف نمود (FCO 8/2242/ Received in Registry 28).  
(OCT 1974, NBL 10/324/1).

در تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۷۴ میلادی، شاه با سفیر بریتانیا در تهران دیدار کرد. وی با اشاره به اظهارات اخیر الزواوی، وزیر امور خارجه عمان، که به همتایان عرب خود گفته بود نیروهای ایرانی بزودی از عمان عقب نشینی خواهند کرد، تصریح نمود که تمامی نیروهای ایرانی را به جز بالگردهای هوانیروز ارتش ایران از عمان فراخوانده است؛ چراکه وی دیگر هیچ میلی ندارد که در کشوری که خواهان حضور نیروهای ایرانی نیست باقی بماند. پارسونز سپس اعلام کرد که اگر سلطان واقعاً خواهان حضور نیروهای ایرانی در عمان است باید این مطلب به اطلاع شاه برساند. البته سلطان این چنین تقاضایی را از ایران به صورت ابهام آمیزی توسط هیئتی که به مناسبت تولد شاه در ۲۶ اکتبر به تهران اعزام شده بود اعلام کرده بود.

شاه عقیده داشت که قابوس در نظر دارد که مسائل را همچنان در هاله ای از ابهام قرار دهد تا در اجلاسیه سران عرب در رباط، به همتایان عرب خود ثابت کند که نیروهای ایرانی از ظفار عقب نشینی کرده اند. شاه با لحن تمسخرآمیزی این تاکتیک را یک رویکرد سستی مربوط به اعراب می دانست. شاه ابراز داشت که نمی تواند نیروهای خود را که قابوس و ژنرال کریسی (فرمانده انگلیسی ارتش عمان)، خواهان حضور آنان برای ترتیب دادن یک حمله نهایی علیه مواضع شورشیان ظفاری بود، اعزام نماید؛ مگر اینکه قابوس صراحتاً از او چنین تقاضایی کند. شاه بار دیگر اظهار داشت که تنها هدف وی دور کردن شورشیان چپگرای ظفاری از تنگه هرمز است. پارسونز برای آرام کردن شاه به وی گفت که اعراب بین گفته هایشان و نیت قلبی شان مغایرت وجود دارد (FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 565, 25 OCT 1974, NBM3/324/1).

با ادامه حضور نظامی ایران در عمان، صداهای مخالف شاه در اروپا بلندتر می شد. نماینده حزب کارگر در مجلس عوام بریتانیا، ویلیام ویلسون، که از منتقدین جدی شاه به حساب می آمد قرار بود کرد که با دعوت رسمی از عمان دیدار کند. مقامات وزارت امور خارجه بریتانیا از این مسئله نگران بودند که سفر ویلسون بر روابط تهران-مسقط و تهران-لندن اثر سوئی بر جای گذارد (FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 289, 15 OCT 1974, NBM3/324/1). انگلیسی ها معتقد بودند که پایان حضور نظامی ایران در عمان و خاتمه یافتن بحران ظفار می توانست در حل و فصل مشکلات مسقط با همسایگانش، به خصوص یمن جنوبی، بسیار مؤثر واقع شود. تیرگی در روابط بین ایران و عمان باعث شده بود تا ارتش عمان عملیات خود را بدون هماهنگی با نیروهای ایرانی در ظفار به تعویق بیندازد. هاولی، سفیر بریتانیا در مسقط، در ۲۸ اکتبر ۱۹۷۴ در گزارش به لندن عنوان داشته بود که سلطان با سفر به ایران یا اعزام یک هیئت بلند پایه خشم شاه را فرو بنشانند. از سوی دیگر، قاهره می توانست به جمهوری دموکراتیک خلق یمن اطمینان دهد که هدف عملیات نظامی قوای ایران و عمان در ظفار به هیچ وجه به معنای تعرض به تمامیت ارضی یمن

جنوبی نیست و سلطان فقط می‌خواهد حاکمیت خود را بر مناطق غربی قلمرو خویش احیاء نماید (FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 365, 29 OCT 1974, NBM3/324/1). سیاست عمان نسبت به حضور نیروهای ایرانی در این دوره بیش از گذشته مبهم بود. از یک سو الزواوی، خبر از عقب‌نشینی نیروهای ایرانی از ظفار را می‌داد. از سوی دیگر، سعید فخر، معاون وزیر دفاع عمان، طی رزمایشی در بندرعباس که شاه شخصاً در آن حضور داشت، وی را متقاعد کرد که نیروهای نظامی بیشتری به عمان اعزام کند (FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 394, 15 NOV 1974, NBM3/324/1).

در تاریخ ۱۴ نوامبر سال ۱۹۷۴ میلادی، پارسونز سفیر بریتانیا در تهران در دیدار با علم، وزیر دربار شاه، از او پرسید که آیا اختلافات حاصله میان شاه و سلطان قابوس برطرف شده است؟ وی در پاسخ علم گفت که بلی چنین است. علم در ادامه افزود که چند روز پیش شاه از نیروهای ایرانی که به تازگی از ظفار بازگشته بودند، دیدن بعمل آورد و روحیه آنان را بسیار خوب ارزیابی نمود. آنها مشخصاً تجربیات کافی در جنگ با چریک‌های کمونیست به دست آورده بودند و مأموریت آنان عملاً خاتمه یافته بود. پارسونز در ادامه افزود که علم نسبت به جزئیات دقیق عملیات نظامی ایران در عمان بی اطلاع بود؛ اما به وی گفت که اگر سلطان خواهان اعزام نیروهای بیشتر ایرانی است، کافیست که از شاه درخواست کند (FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 371, 19 OCT 1974, NBM3/324/1). سفارت آمریکا در تهران به نقل از یک مقام بلندپایه ایرانی گزارش داد که شاه نیروهای تازه نفسی را به عنوان هدیه تولد سلطان قابوس، در ۱۸ نوامبر به عمان اعزام خواهد کرد (FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 466, 15 NOV 1974, NBM3/324/1).

در دسامبر ۱۹۷۴ میلادی، ۲۴۰۰ نفر از نیروهای زمینی ایران در عملیاتی گسترده در غرب ظفار شرکت کردند. این عملیات اعتراض کشورهای عربی که نسبت به حضور ایران و بریتانیا در عمان مخالف بودند (هم‌چون یمن جنوبی و عراق) را برانگیخت (FCO 8/2242/ 223 Received in Registry 6 DEC 1974, NBL 10/324/1). در پی این عملیات، یک تیپ ایرانی متحمل تلفات سنگینی در غرب ظفار شد. سلطان قابوس نگران این امر بود که چگونه می‌تواند مستقیماً با شاه ارتباط حاصل کند؛ چراکه فرماندهان نظامی ایرانی حقایق میدانی را آن‌طور که بودند به شاه انعکاس نمی‌دادند. در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۷۴، پارسونز در مراسله‌ای به لندن عنوان داشت که اگر قابوس این مسأله را با شاه در میان بگذارد و بگوید که حضور نیروی زمینی ایران، برخلاف هوانیروز، آن‌چنان تأثیرگذار نیست شاه به احتمال زیاد این سخن را یک توهین قلمداد خواهد کرد (FCO 8/2242 Received in Registry 10 DEC 1974, NBL 10/324/1). سفیر انگلستان در عمان، هاولی، نیز از تیره شدن روابط ایران و عمان پس از شکست‌های نیروهای ایرانی ابراز نگرانی می‌کرد (FCO 8/2219 Received in Registry, 11 DEC 1974, NBL3/324/1). هاولی امید داشت که روابط ایران و عمان بهبود یابد؛ چراکه هر دو کشور در نزدیکی تنگه حیاتی هرمز قرار داشتند. در تاریخ ۱۱

دسامبر ۱۹۷۴ میلادی، سفارت بریتانیا در مسقط گزارش داد که ژنرال ازهارای خواهان استفاده از بمب‌های ناپالم برای نابودی پوشش گیاهی بود که سد راه نیروهای ایرانی در ظفار می‌شد و این که نیروی هوایی ایران باید در عملیات‌ها حضور فعال داشته باشد؛ اما ارتش عمان با درخواست استفاده از بمب‌های ناپالم مخالفت کرده و اضافه نموده بود که فقط در شرایطی که احتیاج مبرم به نیروی هوایی ایران باشد، باید از آنها در عملیات استفاده گردد (FCO 8/2021, Received in Registry) (TELNo 434, 11 DEC 1974, NBM3/324/1).

در تاریخ ۲۲ دسامبر سال ۱۹۷۴ میلادی، پارسونز سفیر بریتانیا در تهران در نامه‌ای به وزارت امور خارجه انگلستان درباره‌ی یادداشتی به قلم جیم هوگلاند با عنوان «نیروهای شاه در عمان شوکه شده‌اند!» که در روزنامه واشنگتن پست به چاپ رسیده بود و در آن به نقل از تعدادی از افسران انگلیسی در مورد عملکرد ضعیف نیروهای ایرانی مستقر در عمان گزارشی تهیه شده که به تبع آن اعتراض مقامات ایرانی به خصوص خلعتبری، وزیر امور خارجه ایران، را برانگیخته بود، انتقاد کرد. هوگلاند در مقاله خود به نقل از افسران انگلیسی نوشته بود که شاه ادعا می‌کند که مأموریت نیروهای ایرانی در عمان اولین پیروزی ارتش ایران در ۲۰۰۰ سال گذشته است اما تا به حال عملکرد ایرانیان، تحسین برانگیز نبوده است. در جای دیگری از مقاله هوگلاند آمده بود که نیروهای ایرانی بی‌تجربه هستند و از لحاظ آموزش و تاکتیک بسیار به [مستشاران] آمریکایی‌ها متکی می‌باشند (FCO 8/2021, Received in Registry, TEL 703, 1 JAN 1975, NBL3/324/1). حتی خود مقامات انگلیسی هم به نحوی، صحت گزارش‌های روزنامه واشنگتن پست را در مورد بی‌تجربگی ایرانی‌ها در نبرد با شورشیان چپ‌گرای ظفار، تأیید می‌کردند (FCO 8/2021, Received in Registry, TEL 703, 23 DEC 1974, NBM3/324/1).

## ۵. خروج نیروهای ایرانی از ظفار

پس از فراز و نشیب‌های بسیار، نیروهای ایرانی و عمانی توانستند به تدریج تمامی مسی‌های امداد شورشیان ظفاری را قطع نمایند و ضربات مهلکی بر آنان وارد سازند. در سپتامبر ۱۹۷۵ میلادی، ملک حسین به شاه گفت که تصمیم دارد نیروهای اردنی را از ظفار فرا بخواند. علت این بود که شورشیان ظفاری سرسربازان کشته شده اردنی را از تن جدا می‌کردند که اثر روانی نامطلوبی را بر جامعه اردن می‌گذاشت و دیگر این که ملک حسین از عملکرد سیاسی و نظامی سلطان قابوس راضی نبود (FCO 8/2458/26 Received in Registry 11 SEP 1975, NBL3/324/1). هم‌چنین انگلیسی‌ها از ریختن و پاشیدن سلطان قابوس و قصرهای بی‌شمار مجلس و مافیایی که حول وی شکل گرفته بود، انتقاد داشتند (FCO 8/2458 Received in Registry 15 OCT 1975, NBL3/324/1). شاه نیز قصد داشت به سلطان قابوس، درباره اهمیت توسعه زیرساخت‌های

غیرنظامی توصیه‌ای نماید. عربستانی‌ها نیز وعده کمک مالی در جهت توسعه زیرساخت‌های غیرنظامی را در ظفار داده بودند (FCO 8/2458 Received in Registry 11 SEP 1975, NBL3/324/1). پس از پیروزی‌های ارتش عمان به کمک نیروهای ایرانی، امیر اصلان افشار، رئیس تشریفات دربار شاهنشاهی، که علیرغم رفتار خود برتر بینانه‌اش، رابطه خوبی با شیوخ عرب داشت، معتقد بود که سلطان قابوس باهوش‌ترین رهبر عرب خلیج فارس است و اکنون دارای اعتماد به نفسی فوق‌العاده می‌باشد و بر اوضاع کشورش مسلط است (FCO 8/2458 Received in Registry 19 NOV 1975, NBL3/324/1).

## ۶. نتیجه‌گیری

با گسترش مناسبات سیاسی و نظامی ایران با آمریکا در دوره محمدرضا پهلوی، طی دکترین نیکسون، ایران به عنوان ژاندارم حوزه خلیج فارس شناخته شد و این وظیفه بدو محول شد که ضمن تأمین امنیت این محدوده جغرافیایی حساس، از رشد هرگونه تمایلات مارکسیستی جلوگیری به عمل آورد. در این بین، یکی از نمونه‌های برجسته تلاش ایران برای رسیدن به این هدف، تلاش برای مشارکت نظامی در سرکوبی جنبش مارکسیستی ظفار در عمان بود که با کمک نیروهای نظامی شاهنشاهی، عمان توانست بر این شورش فائق آید.

در کنار ابعاد و زوایای گوناگون این جنبش و چگونگی مشارکت نظامی ایران در آن که در آثار متعددی بازتاب پیدا کرده است، نگاه به این واقعه و روند دخالت نیروهای نظامی ایران در عمان، از منظر اسناد محرمانه وزارت امور خارجه بریتانیا قابل تأمل است؛ واکاوی ابعاد این جنبش و دخالت نظامی ایران از منظر اسناد نویافته وزارت امور خارجه بریتانیا، گویای این واقعیت است که در ماجرای دخالت نظامی ایران در عمان، اکثر کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان، امارات و کویت، نگاهی بدبینانه همراه با سوءظن در قبال این دخالت نظامی داشتند؛ چراکه به گمان این کشورها، هدف اصلی ایران از مشارکت نظامی در عمان، بسط نفوذ و هیمنه خود بر نواحی جنوبی خلیج فارس بوده است. به تدریج این سوءظن حتی به گونه‌ای پیش رفت که بر روابط برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس مثل عربستان با عمان تأثیر گذاشته و به نوعی به سردی روابط انجامید. علاوه بر عربستان، کشورهایی همچون کویت و مصر نیز دخالت نظامی ایران در عمان را غیرطبیعی و خروج این نیروها از عمان را یک پیروزی تلقی کردند. از آنجایی که ایران از قدرت نظامی گسترده‌ای برخوردار بود، کشورهای حوزه خلیج فارس این دخالت را به خطراتدان منافع‌شان تلقی می‌کردند و بر همین اساس، نسبت به این دخالت، به شدت سوءظن داشتند.

## منابع

- Amirsadeghi, Hossein. The Security of the Persian Gulf (RLE Iran D). Routledge, 2012,*
- Bahgat, Gawdat, Anoushiravan Ehteshami, and Neil Quilliam. "Security and Bilateral Issues Between Iran and Its Arab Neighbours." In Security and Bilateral Issues between Iran and its Arab Neighbours, pp. 1-10. Palgrave Macmillan, Cham, 2017.*
- FCO (Foreign and Commonwealth Office):*
- FCO 8/1313/6 Received in Registry FEV 1970, NB3/338/1.*
- FCO 8/1677 Received in Registry, 25 OCT 1971, NBM3/324/1*
- FCO 8/1677 Received in Registry, 25 OCT 1971, NBM3/324/1.*
- FCO 8/1677, Received in Registry, 1 APR 1971, NBM3/324/1.*
- FCO 8/1859 Received in Registry, 28 NOV 1972, NBM10/7.*
- FCO 8/1859 Received in Registry 1 SEP 1972, NBM10/7.*
- FCO 8/1859 Received in Registry 16 OCT 1972, NBM10/7.*
- FCO 8/1859 Received in Registry 18 AUG 1972, NBM10/7.*
- FCO 8/2011 Received in Registry, 23 NOV 1973, NBM/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry, 21 MAR 1974, NBL3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry, 25 MAR 1974, NBL3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry, 27 JUL 1971, NBM3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry, TEL 703, 1 JAN 1975, NBL3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry, TEL 703, 16 AUG 1971, NBM3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry, TEL 703, 23 DEC 1974, NBM3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 12 JAN 1973, NBM3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 25 JUL 1973, NBM3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 26 JUL 1973, NBM3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 26 NOV 1973, NBM 3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 8 AUG 1973, NBM3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 289, 15 OCT 1974, NBM 3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 365, 29 OCT 1974, NBM 3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 371, 19 OCT 1974, NBM 3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 394, 15 NOV 1974, NBM 3/324/1.*

- FCO 8/2021, Received in Registry No 434, 11 DEC 1974, NBM3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 466, 15 NOV 1974, NBM3/324/1.*
- FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 565, 25 OCT 1974, NBM3/324/1.*
- FCO 8/2219 Received in Registry, 11 DEC 1974, NBL3/324/1.*
- FCO 8/2219 Received in Registry, 18 MAR 1974, NBL3/324/1.*
- FCO 8/2219 Received in Registry, 29 MAR 1974, NBL3/324/1.*
- FCO 8/2219 Received in Registry, 9 AUG 1974, NBL3/324/1.*
- FCO 8/2242/ 223 Received in Registry 6 DEC 1974, NBL 10/324/1.*
- FCO 8/2242/ Received in Registry 4 SEP 1974, NBL 10/324/1.*
- FCO 8/2242 Received in Registry 10 DEC 1974, NBL 10/324/1.*
- FCO 8/2458 Received in Registry 11 SEP 1975, NBL3/324/1.*
- FCO 8/2458 Received in Registry 15 OCT 1975, NBL3/324/1.*
- FCO 8/2458 Received in Registry 19 NOV 1975, NBL3/324/1.*
- FCO 8/2458/26 Received in Registry 11 SEP 1975, NBL3/324/1.*
- Garver, John W. China and Iran: ancient partners in a post-imperial world. University of Washington Press, 2011.*
- Graham, Robert. Iran (RLE Iran D): The Illusion of Power. Taylor & Francis, 2012.*
- Hiro, Dilip. Iran under the Ayatollahs (Routledge Revivals). Routledge, 2013.*
- Marschall, Christin. Iran's Persian Gulf Policy: From Khomeini to Khatami. Routledge, 2003,*
- Mattair, Thomas R. Global Security Watch--Iran: A Reference Handbook. Greenwood Publishing Group, 2008,*
- Tabatabai, Ariane M. "No Conquest, No Defeat: Iran's National Security Strategy." Oxfrd Univercity press, (2020)-*



***Iran's military involvement in the Dhofar crisis and the response of the Arab countries of the Persian Gulf: In the mirror of the new documents of the Ministry of Foreign Affairs of the United Kingdom***

**Faraj Allah Ahmadi<sup>1</sup> and Arvin Qaemian<sup>2</sup>**

Date of received: 2022/04/14

Date of Accept: 2022/06/02

**Abstract**

With the withdrawal of the British forces from the Persian Gulf and the creation of a new military and political arrangement at the regional and international level, the relations between Iran and Oman entered a new chapter in the political and military dimensions. The issue of the Dhofar movement in Oman showed an example of these relationships; According to the Nixon doctrine, it was decided that Iran should be recognized as a military gendarmerie in the Persian Gulf region, whose duty was to suppress any communist movement. With the formation of the Zafar movement, Iranian military forces were sent to Oman and played an important role in suppressing this communist rebellion. The analysis of the Dhofar movement in Oman and the role of Iran in it have been examined in several studies so far; However, the innovative aspect of our research is the analysis of different dimensions of this movement and Iran's military role in it, based on the collection of confidential documents of the British Ministry of Foreign Affairs. The question of the upcoming research is, what was the attitude of the Persian Gulf countries towards Iran's military intervention in Oman to suppress the Dhofar movement? To answer this question, the upcoming research is organized by collecting data through confidential documents of the British Ministry of Foreign Affairs. The findings of this research show that the countries of the Persian Gulf considered Iran's military presence in Oman as Iran's attempt to influence the southern regions of the Persian Gulf and had a pessimistic view of this intervention.

**Keywords:** Morality, Freedom, Saa Sadr, Civil Society, Legalism, Party.

**Citation (APA 6th ed. / APSA)**

Ahmadi, Faraj Allah; Qaemian, Arvin (2022). "Iran's military involvement in the Dhofar crisis and the response of the Arab countries of the Persian Gulf: In the mirror of the new documents of the Ministry of Foreign Affairs of the United Kingdom". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 5, Num. 3, S.No. 19, pp. 97- 116.

<sup>1</sup>. Associate Professor, Department of History, Faculty of Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: fahmadi@ut.ac.ir

<sup>2</sup>. Doctoral student of History, Faculty of Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: arwin\_ghaemian@yahoo.com

### References

- Amirsadeghi, Hossein. *The Security of the Persian Gulf (RLE Iran D)*. Routledge, 2012. (in Persian)
- Bahgat, Gawdat, Anoushiravan Ehteshami, and Neil Quilliam. "Security and Bilateral Issues Between Iran and Its Arab Neighbours." In *Security and Bilateral Issues between Iran and its Arab Neighbours*, pp. 1-10. Palgrave Macmillan, Cham, 2017.
- FCO (Foreign and Commonwealth Office):
- FCO 8/1313/6 Received in Registry FEV 1970, NBM3/338/1.
- FCO 8/1677 Received in Registry, 25 OCT 1971, NBM3/324/1
- FCO 8/1677 Received in Registry, 25 OCT 1971, NBM3/324/1.
- FCO 8/1677, Received in Registry, 1 APR 1971, NBM3/324/1.
- FCO 8/1859 Received in Registry, 28 NOV 1972, NBM10/7.
- FCO 8/1859 Received in Registry 1 SEP 1972, NBM10/7.
- FCO 8/1859 Received in Registry 16 OCT 1972, NBM10/7.
- FCO 8/1859 Received in Registry 18 AUG 1972, NBM10/7.
- FCO 8/2011 Received in Registry, 23 NOV 1973, NBM/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry, 21 MAR 1974, NBL3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry, 25 MAR 1974, NBL3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry, 27 JUL 1971, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry, TEL 703, 1 JAN 1975, NBL3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry, TEL 703, 16 AUG 1971, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry, TEL 703, 23 DEC 1974, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 12 JAN 1973, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 25 JUL 1973, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 26 JUL 1973, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 26 NOV 1973, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry No 35, 8 AUG 1973, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 289, 15 OCT 1974, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 365, 29 OCT 1974, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 371, 19 OCT 1974, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 394, 15 NOV 1974, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry No 434, 11 DEC 1974, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 466, 15 NOV 1974, NBM3/324/1.
- FCO 8/2021, Received in Registry TELNo 565, 25 OCT 1974, NBM3/324/1.
- FCO 8/2219 Received in Registry, 11 DEC 1974, NBL3/324/1.
- FCO 8/2219 Received in Registry, 18 MAR 1974, NBL3/324/1.
- FCO 8/2219 Received in Registry, 29 MAR 1974, NBL3/324/1.
- FCO 8/2219 Received in Registry, 9 AUG 1974, NBL3/324/1.
- FCO 8/2242/ 223 Received in Registry 6 DEC 1974, NBL 10/324/1.

- FCO 8/2242/ Received in Registry 4 SEP 1974, NBL 10/324/1.*
- FCO 8/2242 Received in Registry 10 DEC 1974, NBL 10/324/1.*
- FCO 8/2458 Received in Registry 11 SEP 1975, NBL3/324/1.*
- FCO 8/2458 Received in Registry 15 OCT 1975, NBL3/324/1.*
- FCO 8/2458 Received in Registry 19 NOV 1975, NBL3/324/1.*
- FCO 8/2458/26 Received in Registry 11 SEP 1975, NBL3/324/1.*
- Garver, John W. China and Iran: ancient partners in a post-imperial world. University of Washington Press, 2011.*
- Graham, Robert. Iran (RLE Iran D): The Illusion of Power. Taylor & Francis, 2012.*
- Hiro, Dilip. Iran under the Ayatollahs (Routledge Revivals). Routledge, 2013.*
- Marschall, Christin. Iran's Persian Gulf Policy: From Khomeini to Khatami. Routledge, 2003,*
- Mattair, Thomas R. Global Security Watch--Iran: A Reference Handbook. Greenwood Publishing Group, 2008,*
- Tabatabai, Ariane M. "No Conquest, No Defeat: Iran's National Security Strategy." Oxfrd Univercity press, (2020) . (in Persian)*



پروفیسر کاہنشاہ علوم انسانی و مطالعات اسلامی

برائے جامعہ علوم انسانی